

## بررسی راهکارهای طراحی شهری جهت خلق فضای شهری کودکدار (نمونه موردی: شهر همدان)

سیدمهدي حجازي\*، كيمورث حبيبي\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۱۸

### چکیده

شهر دوستدار کودک، شهری است که در آن خواسته‌های کودک در اولویت قرار می‌گیرد. وضع اجتماعی، فرهنگی و معماری شهر همسو با نیازهای آنان است و حقوق کودکان در سیاست‌ها، قوانین، برنامه‌ها و بودجه منعکس می‌شود. رویکرد CFC (شهر دوستدار کودک) این شهر را به سمتی سوق می‌دهد که در آن، کودکان نقش مؤثری در مورد شهر خوددارند و نظر آنان در تصمیمات شهری ابراز شود و خانواده و اجتماع نیز موظف‌اند کودکان را مسائل و تصمیم‌گیری‌ها دخیل کنند. این پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های ترکیبی نیمه‌باز و بسته به روشی کیفی سعی در استخراج اولویت‌ها و ترجیحات کودکان در فضای شهری را دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کودکان: استفاده از هندسه پیچیده و ناظم؛ استفاده از مبلمان مناسب کودکان از نظر اندازه، رنگ، طرح؛ ایجاد شرایط مناسب برای استفاده کودکان از پوشش گیاهی؛ کفسازی مناسب تمامی فصول و رنگارانگ؛ کنترل سرعت سواره در ورودی محلات و معابر؛ ایجاد فضاهای بازی و تجمع مرکز و غیرخطی و قابل نظرارت برای کودکان؛ حفظ مقیاس انسانی و پرهیز از بلندمرتبه‌سازی را به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های محیط مطلوب می‌دانند.

### وازگان کلیدی

شهر کودک مدار، فضا شهری، کودک، همدان

Email: mahdi.hejazi@gmail.com  
Email: Habibi\_ki@yahoo.co.uk

\* کارشناس ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ایران.

\*\* دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه کردستان.

## مقدمه

عمده متصديان امور شهری حتی طراحان و برنامه‌ريزان شهری علی‌رغم تأکيد اين دانش در توجه به مسائل اقشار مختلف اجتماعی به هنگام اتخاذ تصميم به کودکان توجه نمی‌کنند. شهرها بنا بر شرایط خودبه‌خودی پای گرفته‌اند که برای کودکان حالتی خشن را به وجود آورده‌اند. بی‌توجهی به اين مسائل محیط روانی و اجتماعی کودکان را آسفة ساخته و تأثير نامناسبی بر جريان رشد آنان می‌گذارد. بررسی اين مسئله ضروری است که شهرها و محیط‌های شهری، مخاطبان خردسال و تیزبینی دارد که بسيار بيشتر از بزرگسالان از محیط تأثيرمی‌پذيرند اما کودکان دنيا را به صورتی کاملاً متفاوت درک می‌کنند. اين ادراک، تصویری از محیط را در ذهن کودک به وجود می‌آورد که با تصاویر نقش بسته در ذهن بزرگسالان تفاوت بنیادین دارد. باين وجود بسياري از فضاهايي که برای کودکان خلق می‌شوند، به ابعاد مختلف وجودی کودک توجه نداشته و با نيازهایشان هماهنگ نيسنتند زيرا اين فضاها با توجه به ويژگی‌ها و استنباط بزرگسالان شکل گرفته‌اند نه کودکان. اين فضاها به دليل عدم سرزندگی نه تنها برای رشد کودک در ابعاد مختلف مناسب نيسنتند بلکه در بسياري از موارد باعث پديد آمدن احساس کسالت در کودک و کمنگ شدن خلاقيت‌های ناب کودکانه می‌شوند. درحالی که فضاهاي سرزند شهری فضاهايي هستند که مناسب برای همه اقشار جامعه، جذاب کارآمد و امن برای کودکان و افراد مسن مكانی برای بازی، گفتگو، ملاقات و دسترس به طبيعت می‌باشند.

طی سال‌های اخير پيرامون شهر دوستدار کودک (CFC) در کشورهای پيشرونه مطالعات و تحقيقات زيادي انجام گرفته است. اولين بار در سال ۲۰۰۷ ميلادي شهر بندigoo در استراليا از طرف يونيسف به عنوان شهر دوستدار کودک و اولين شهری که تمام جنبه‌ها و ويژگی‌های يك شهر دوستدار کودک را از نظر يونيسف به خود اختصاص داده بود، معروف و به رسميت شناخته شد. در اين شهر حقوق کودکان به عنوان اولويت اصلی و اساسی در تمام رویکردها موردو توجه قرار دارد. توجه به مفهوم شهرهای دوستدار کودک در ايران سابقه چندانی ندارد. شايد بتوان گفت اولين توجه جدي به اين موضوع پس از زلزله مخراب سال ۱۳۸۲ در به صورت گرفت به‌گونه‌اي که سازمان يونيسف با همکاري ديگر نهايدها، پروژه شهر دوستدار کودک را باهدف مشارکت جمعی کودکان تعريف و آن را هدف گذاري کرد. در اين پروژه کودکان ۶ تا ۱۳ سال مشارکت داشتند و نظرات خود را با روش‌های مختلف اپراز می‌كردند.

گلاسون و ساپ (Gleeson & Sipe, 2006)، اولين كتاب را در رابطه با شهر دوستدار کودک تحت عنوان ايجاد شهر دوستدار کودک تأليف کرددند که اساسی ترين منبع نيز در اين زمينه محسوب می‌شود. در اين كتاب به بيان و معرفی شهر دوستدار کودک، شاخص‌ها و عوامل ضروري يك شهر دوستدار کودک پرداخته شده است.

ريگيگيو، در سال ۲۰۰۲، پژوهش‌اي درباره شهرهای دوستدار کودک، امكانات، بودجه و مؤسسات قانوني موردنیاز و اينکه چگونه مفهوم شهر دوستدار کودک گسترش یافته نوشته است و به بررسی اساس‌نامه بنیادي شهرهای دوستدار کودک (CFC) پرداخته، همچنین دلایل ايجاد شهرهای دوستدار کودک و اصول کار و نمونه‌هایي از اين شهرها را توضیح داده است. همچنین اين موضوع را روش‌ساخته که کميته شهری حقوق کودک، سистем کاري خود را بر اساس چهار اصل مهم حقوق کودک بنيان نهاده است:

- عدم تعییض؛
- بیشترین عالیق کودکان؛
- حقوق زندگی و توسعه حداکثری؛
- احترام به دیدگاه کودکان؛

پژوهش‌های مختلف ديگري در ابعاد و زمينه‌های مرتبط با موضوع شهر دوستدار کودک در سطح دنيا انجام شده است، برای مثال، آرتز و همکاران پيرامون فعالیت‌های چندبخشی برای افزایش محیط‌های دوستدار کودک پژوهشی ارائه کرددند (Aarts et al, 2011). هامپشاير و همکاران نيز به منظور افزایش سلامتی کودکان، راهبردهایي مبنی بر نقش درمانی عوامل منظر و چشم‌انداز محیطي ارائه کرددند (Hampshire et al, 2011).

هولت و همکاران در سال ۲۰۰۹ پيرامون فرصت‌هایي که کودکان جهت انجام فعالیت‌های فيزيکي در سطح محلات شهری پيدا می‌کنند و منجر به افزایش سلامتی آن‌ها می‌شود پژوهشی انجام دادند (Holt et al, 2009: 1022). ترانتر و ويتك، رفتار حرکت و گرددش کودکان را براساس سبک و شيوه زندگي و وضعیت شبکه حمل و نقل در شهر کانبرا بررسی کرددند. (Tranter & Whitelegg, 1994) طی سال ۲۰۰۶، كيفيت زندگي کودکان را در كوئين ايسلند با تأکيد بر مدیریت منطقه‌اي برای جلوگيري از امراض کودکان بررسی و ارائه کرددند (Thomas et al, 2006: 508).

قرار دادند (Barnett, 2005). هیل و ساندفور، اثرات فقر کودکی را در زندگی جنبی کودکان جهت ارائه راهبردهای عمومی بررسی کردند (Hill & Sandfor, 1995).

منظور از این پژوهش بررسی به این موضوع اساسی است که ویژگی فضاهایی که منجر به القاء حس امنیت، راحتی و سرزندگی در کودکان می‌شوند چیست؟ و آیا با بکارگیری اصول و ضوابط طراحی شهری می‌توان کودکان را به حضور در فضاهای شهری ترغیب کرد؟

## روش تحقیق

سنجهش میزان کودک مداری در محلات و مناطق مختلف شهر نیازمند روش‌های مناسب ارزیابی است. با توجه به موضوع پژوهه و در نهایت امر ارائه راهکار و طراحی محیط و فضاهای شهری و در نظر داشتن مطالعات پایه و اولیه این پژوهش در دسته تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات شامل: استفاده از فن SWOT برای ارزیابی وضع موجود، استفاده از تحلیل‌های AHP برای ارزیابی وزن و اولویت انتخاب‌های کودکان است. به منظور مقایسه میزان پاسخگویی به اصول شهر دوستدار کودک در دو نمونه موردبررسی به تبیین شاخص‌هایی نیاز است. شاخص عبارت است از استفاده از ملاک‌ها و اصولی که خصوصیات کیفی را در قالب کمیت بیان کرده و آنان را قابل بررسی و ارزشیابی می‌کند شاخص نامیده می‌شود (با حجب ایمانی، ۱۳۸۷). بدین منظور به جمع‌آوری شاخص‌های شهر دوستدار کودک از منابع علمی و مطالعاتی مختلف مقالات، کتاب‌ها و طرح‌های مطالعاتی پرداخته و در نهایت یک چارچوب شاخص‌های شهر دوستدار کودک که در واقع چکیده‌ای از شاخص‌های اصلی در منابع مختلف می‌باشد، تهیه شده است. همچنین به منظور بررسی دقیق‌تر برای هر کدام از شاخص‌ها تعدادی زیرشاخص نیز در نظر گرفته شده است.

### مفهوم مکان و ارتباط آن با رشد کودک

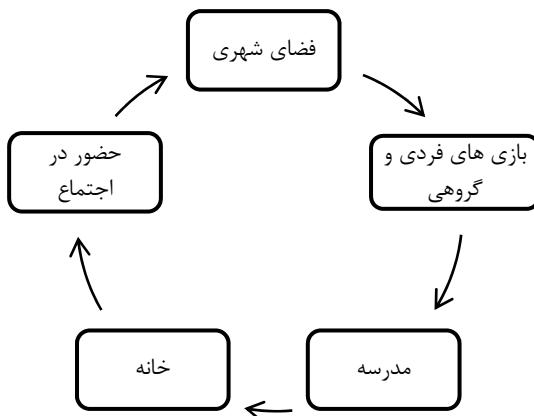
از بعد روان‌شناختی، درک معنا به‌واسطه شناخت غیرمستقیم یا حرکت در خارج از جریان وقایع ادراک-کنش صورت می‌گیرد، به عبارتی وقتی فردی در ارتباط مستقیم با موضوعی قرار گیرد، آگاهی و شناخت کامل صورت نمی‌پذیرد؛ بنابراین کودکان نیز تنها به‌واسطه بازتاب محیط در تجارب‌شان، معنا و ارزش ارتباط با مکان را خواهند آموخت؛ زیرا آگاهی در حین تجربه مستقیم به کمترین حد خود می‌رسد تا حدی که مواجهه با جهان، تقریباً ناخودآگاه و عادی به نظر می‌رسد و مرز تجربه بین خود و جهان مورد اغفال واقع می‌شود (Spencer & Blades, 2006). شناخت غیرمستقیم، این امکان را برای کودکان فراهم‌می‌کند تا تجربه مکان را در ذهن خود منعکس سازند و ماهیت ارتباط خود را با مکان به‌واسطه تجربه، تعیین نمایند. نکته حائز اهمیت در رشد ادراکی کودکانی است که این رشد، تقابلی از کنش و ادراک محسوب می‌شود و به صورت چرخه‌ای هم‌دیگر را پشتیبانی می‌کنند. با این دیدگاه، تعامل دیالکتیک ارتباط کودک با مکان مورد تأیید است. مکان، دارای ارتباط واسطه یا دوسویه با کودک در ارتباط با رفتار یا تکالیف وی است. کودک برای ارضی برعی خواست‌ها و نیازهایش با مکان تعامل می‌کنند. برای این که کودک، مکان خاصی را به لحاظ ارزشی به دیگر مکان‌ها ترجیح بدهد، این مکان باید خواست‌ها و نیازهای او را ارضی کند و بین کنش و ویژگی‌های محیطی مربوطه تناسب ایجاد شود. در این حالت کودک برای ارضی نیازهای خود، با محیط تعامل می‌کند. هم‌چنین زمانی که زمینه اجتماعی اکولوژیکی برای تحقق این قابلیت تقویت می‌شود، کودکان ممکن است نسبت به مکان، احساسات عاطفی شدیدی نشان دهند. موضوع مهم برای مفهوم‌سازی تعامل با مکان در دوران کودکی این است که کودکان با مکان‌هایی روابط عاطفی مطلوبی ایجاد می‌کنند که خواست‌ها و نیازهای آن‌ها را در فرآیند رشدشان برآورده کنند. مکان‌دوستی، پیوندی پرمحتب و تأثیرگذار میان مردم به ویژه کودکان و مکان‌ها است. مکان دوستی، به صورت‌های متفاوتی ابراز می‌شود که می‌تواند زیبایی‌شناختی، حسی یا عاطفی باشد و حس مکان، شامل واکنش عاطفی یا بیولوژیکی به محیط کالبدی و فرهنگی است (Christensen & O'Brien, 2003).

### کودک و ارتباط با محیط

انسان به عنوان موجودی که وابسته به طبیعت است درس‌ها و آموخته‌های بسیاری از آن فرامی‌گیرد؛ به گونه‌ای که در این تعامل، شخصیت انسان و رشد جسمی و ذهنی اش شکل می‌گیرد. به همین دلیل در طراحی شهری باید تمام گروه‌های سنی را مخاطب قرارداد و در جهت برآورده کردن نیازهایشان کوشید. کودکی و پرداختن به آن به طور خاص قدمت زیادی ندارد. طبق آنچه مارک روتکو در معماری مهد کودک می‌گوید، ایده نگاه به کودکی از غرب و در اواخر قرن ۱۷ میلادی صورت گرفت است. کودکان نیازمند محیط‌هایی هستند که آنان را مخاطب قرار دهد، به چالش و ادارد و توجه آنان را جلب کند تا آن‌ها مشاهده کنند و بیاموزند؛ لذا تأکید بر ایجاد فضاهایی راحت، ایمن، قابل دسترس، پاسخگو، جذاب، خلاق و زمینه‌ساز رشد جسمی و ذهنی کودک از جمله نکاتی است که باید در

ساخت فضاهای شهری مورداستفاده کودکان موردنویجه قرار گیرد. بسیاری از ویژگی‌های عاطفی و رفتاری انسان در سنین کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد از این‌رو علاوه بر خانه و مدرسه باید فضاهای اجتماعی دیگری در شهرها وجود داشته باشد که به مسائل پرورش کودکان بیشتر توجه کند (Churchman, 2003). جان لاک معتقد است که تجربه‌های نخستین آدمی عمیقاً بر زندگی بعدی او اثر می‌گذارد و بر همین اساس بر نقش تربیت و اهمیت پرورش تأکید می‌کند. پیاڑه در سال‌های دهه ۱۹۹۰ به این نتیجه رسید که کودکان در مقایسه با بزرگسالان جهان را به طور دیگری می‌بینند؛ همان‌طور که بزرگسالان محیط را از طریق فرم درک می‌کنند، جنبه‌هایی از محیط برای کودکان مهم است که بتوانند محیط را بر اساس کاربری‌های مختلفی که به آن می‌دهند تغییر دهند راه رفتن بین خانه و مدرسه کودکان را قادر به یادگیری محیط اطراف می‌سازد. بازی و بیرون رفتن با دوستان فعالیت‌های قابل توجهی هستند که توسط بزرگترها نادیده انجاشته می‌شوند، در حالی که آن‌ها بخشی از تجربه دوران کودکی هستند. بر همین اساس بدون تردید می‌توان گفت که بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می‌شود و در زندگی کودک اهمیت ویژه‌ای دارد (Woolcock et al., 2010).

فعالیت‌هایی که کودک در فضای شهری به عنوان بازی انجام می‌دهد در پرورش نیروی بدن و حواس او تأثیر فراوان دارد. از نظر حسی و حرکتی نیز به وسیله بازی حس بینایی-شنوایی و سواوایی کودک پرورش می‌یابد. کودک به وسیله بازی مفاهیم همکاری-پیروزی-شکست-رقابت و ایجاد رابطه انسانی و دوستانه را یاد می‌گیرد؛ بنابراین بازی تجربه‌های مختلفی را در اختیار بچه‌ها می‌گذارد، تجربه‌هایی که بچه‌ها به آن‌ها نیاز دارند تا مهارت‌های اجتماعی را فراگیرند. به همین دلیل از نکات اصلی در طرح فضای شهری ایجاد فضای باز برای کودکان می‌باشد. چراکه به نظر جان لاک باید به کودکان این امکان را داد که هر زمان که ممکن باشد در فضای باز به بازی پردازند (شیعه، ۱۳۸۵).



تصویر ۱- عوامل مؤثر در رشد و پرورش کودک

### کودک و ادراک فضا

تا سن ۷ سالگی تجسم فضا از روی تداعی با محیط‌های آشنا و شناساینشانه‌های محیطی و یادآوری بعضی علائم بوده و کودک هنوز قادر به ادراک روابط و قضایای هندسی ثابت بین زوایا و خطوط نیست. از ۷ سالگی با افزایش قدرت انتزاع و تشخیص روابط اقلیدس مانند زوایا و اندازه‌های ثابت، روابط جانشین نشانه‌های محیطی می‌شوند. حس ابعاد در سنین مختلف متفاوت است که کودکان فضا را بزرگ‌تر از افراد بزرگ‌تر می‌بینند (پیاڑه، ۱۳۸۳). دریافت حس کودک از فضا؛ ذهن کودک از پیچیدگی گریزان است و میل به سادگی دارد؛ به طوری که پیچیدگی فضاهای سبب ایجاد تصویر مبهم و غیر واضح در ذهن او می‌شود. ذهن کودک ناب و خالص است به همین دلیل حتی فضاهایی با فرم فضایی ناقص و نامتعادل از نظر هندسی را به هندسه کامل تصور و ساده می‌کند. کودک باید در برخورد با اجرام احساس آرامش کند. تاریکی به اضافه فرم‌های نامتناسب بیش از هر چیز دیگری او را می‌ترساند فضاهایی با رنگ‌هایی شاد و روشن و گاهی با فرم‌های نامشخص (مثل حالتی که در نقاشی با آبرنگ پدید می‌آورد) موضوعات رؤیایی و خیال‌انگیز را القاء می‌کنند (Moore, 1997).

### مقیاس فضا (مقیاس کودکانه)

مقیاس فضا، رفتار کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد تحقیقات نشان می‌دهد که هر چه مقیاس فضا کودک‌وارتر باشد، فعالیت کودک در آن از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود. به بیان دیگر فضا با مقیاس کودکانه بر علاقه کودک و تمرکز او بر فعالیتی که انجام می‌دهد

را می‌افزاید و رسیدن به احساس کسالت را در او به تعویق می‌اندازد. رعایت مقیاس کودکانه بر اساس اندازه‌های بدن کودکان و توانی آن‌ها شامل قد، ارتفاع دسترس و محدوده دید- در فضا باعث می‌شود که کودک در محیط کمترین میزان دسترسی و بیشترین میزان کارایی را داشته باشد در صورتی که ابعاد و تجهیزات فضا با اندازه‌های بدن کودکان همانگ نباشد استفاده از آن‌ها برای کودک احساس بی‌کفایتی به وجود می‌آورد و محیط برای کودک دافعه ایجاد می‌کند (Moore, 1997).

### تعامل کودکان با فضاهای شهری

تعامل کودک با محیط از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که این تعامل از شکل‌گیری شخصیت تا رشد جسمی و ذهنی کودک را در برمی‌گیرد؛ لذا تأکید بر ایجاد فضاهایی راحت‌ایمن، قابل دسترس، پاسخگو، جذاب، خلاق و زمینه‌ساز جهت رشد جسمی و ذهنی کودک از جمله نکاتی است که با استناد به تحقیقات به دست‌آمده و بر اساس واقعیت روان‌شناسی کودک، طراحان و برنامه‌ریزان می‌بایست در ساخت فضاهای شهری موراستفاده کودکان موردنمود توجه قرار دهن. بدینه است که تعامل پویای کودک و جستجو و کشف قابلیت‌های محیطی مستلزم مشارکت فعال وی در شکل‌دهی و بهره‌برداری از محیط خواهد بود. کودک از طریق مشارکت محیطی، حس اجتماع محلی، آگاهی محیطی، حس تعلق و مؤثر بودن را در ک خواهد کرد و خود را یک بهره‌برداری تفاوت محیط قلمداد نخواهد کرد و به عبارت دیگر محیط برای کودک موضوعیت پیدا کرده و به صورت جدی مورد ارزیابی او قرار خواهد گرفت & Marcus & Francis, 1997)

به عنوان نمونه شادی و نشاطی که در فضاهای محله‌ای پس از بارش برف، به ویژه در کودکان و نوجوانان آشکار می‌شود به امکانات و شایستگی‌ها و قابلیت‌های بسیار زیادی مربوط است که در آن حوزه محدود، در فضاهایی چون معبر همسایگی و محلی و مرکز محله و بوستان‌ها و زمین‌های بازی، توسط کودکان جستجو، کشف یا خلق می‌شود. قابلیت‌هایی نظری برای بازی، سرسره بازی، ساخت آدمبرفی، پارو کردن مسیر، ایجاد تغییر و تنوع در منظر محیطی شهر، بوستان، چمنزار و حتی تغییر توپوگرافی و شبکه‌ها و سطوح عمومی شهر و بوستان و تضاد شکلی، حسی و عاطفی ایجاد شده در محیط، آرامش صوتی محیط (جذب صوت در سطوح برفی) و به طور کلی ایجاد جشنواره‌ای از قابلیت‌های خلاق، بدیع و نشاط‌آور محیطی از آن جمله هستند (Walsh, 2006).

### مفهوم شهر دوستدار کودک

مفهوم "شهر دوستدار کودک" به طور کلی به این معنی است که دولتمردان چگونه این شهرها را بر اساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آن، حقوق اساسی بچه‌ها مثل سلامت، حمل و نقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. بر این اساس بچه‌ها به عنوان شهرهوندانی تعریف شده‌اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند. یک شهر دوستدار کودک تنها به وسیله کودکان ساخته می‌شود (Riggio, 2002: 46). از زمان تصویب معاهده حقوق کودکان، فعالیت‌های مهم و متعددی آغاز شد که بیش از پیش ساختار حقوق کودکان را مشخص می‌سازد. از این فعالیت‌هایی توان به موارد زیر اشاره کرد (Al-Zoabi, 2000).

- اجلاس زمین و دستور کار ۲۱: زمانی که رهبران جهان در اجلاسی زمین در سال ۱۹۹۲ در ریو دو ژانیرو مجمع شدند و برنامه مربوط به دستور کار ۲۱ را تدوین کردند، کودکان و جوانان به عنوان گروه‌های اصلی شناخته شدند تا در روند توسعه پایدار سهیم باشند.

- اجلاس شهر، حقوق کودکان و اسکان بشر: از میان فعالیت‌های گوناگون برای توسعه اجتماعی و محیط فیزیکی، "اجلاس زمین" از سوی اسکان بشر سازمان ملل متحد در استانبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اجلاس بر سهیم ساختن جوانان و نوجوانان از سوی دولت‌ها برای شکل دادن شهرهای بزرگ و کوچک و نواحی همسایه تأکید کرده است.

- شهرداران حامیان کودکان: در این ابتکار عمل بین‌المللی که از سوی یونیسف در سال ۱۹۹۲ آغاز شد، شهرداران و سران شهرداری‌ها را برای اولویت قرار دادن نیازهای کودکان و افزایش مشارکت آنان و سایر گروه‌ها در توسعه جامعه و تصمیم‌گیری تشویق کرده است (Driskell, 2002).

محیط‌های دوستدار کودک می‌توانند مستقیماً در سلامت کودکان نقشی داشته باشند. مطالعه "کمیسیون کودکان نوجوانان ولز" بر روی درک کودکان از سلامت انجام داده است. با معرفی سه موضوع اصلی، سلامت کودکان و برخی از شیوه‌های اثربخشی محیط ساخته شده بر این موضوعات را تأیید می‌کند. هر موضوع اصلی و بعد آن در زیر ذکر شده است که خود مبنای چارچوب شاخصی‌های دوستدار کودک ارائه شده را شکل می‌دهند (Al-Zoabi, 2000).

**فعالیت:** داشتن فعالیت یا توان انجام مستقل کار منجر به کارهای کنترل‌ها و ظرفیت‌ها برای اقدام مستقل در زندگی روزمره می‌شود. محیط ساخته شده می‌تواند از طریق موارد زیر در تجربه کودکان از فعالیت سهیم باشد.

- فراهم کردن امكان دسترسی مستقلی کودکان به طيف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های اجتماعی مناسب کودکان در تمامی سنین، تواني‌ها و پيشينه فرهنگی.

- ايجاد ظرفيتی برای کودکان برای سالم بودن و دستيابی به مهارت از طريق مشاركت فعال در محیط جامعه محلی.

**/يمني و امنيت:** منظور داشتن احساسی ايمني و امنيت برای مشاركت كامل در زندگی و انجام چيزهایی است که کودکان و نوجوانان نياز به انجام آن‌ها دارند. در اين زمينه محیط ساخته شده می‌تواند در تجربه ايمني و امنيت کودکان از طريق زير نقش داشته باشد:

- امن‌تر کردن اماكن عمومي جامعه برای کودکان؛

- افزایش تواني‌ها در احساس امنيت و ارتباط با جامعه؛

**احساسی مثبت از خود:** داشتن احساس مثبت از خود به معنای آن است که احساس اين که شما فرد خوبی هستید و توسط اطرافيانatan اين چنین شناخته می‌شويid. محیط ساخته شده‌mi تواند در تجربه کودکان از داشتن احساسی مثبت از خود به روش‌های زير نقش داشته باشد:

- ايجاد فضاهايي که برای کودکان احساس شادي، استقبالی و پشتيباني به همراه دارند.

- افزایش فرصت‌هايي برای کودکان جهت دستيابي به فضاهاي سبز و مناطق طبیعی و لذت بردن از آن‌ها؛

### دلایل ايجاد شهرهای دوستدار کودک

درخواست برای ايجاد شهرهای دوستدار کودک، ريشه در شناخت اين موضوع دارد که شهرها خانه‌هایي جهت افزایش حمایت از حقوق کودکان هستند. باين وجود بسياري از شهرهایي که ايده آل بچه‌ها نيسنند، دولت‌هایي را دارند که اقدامات اندکي در اين جهت دارند (Unicef, 2002: 7). ايجاد محیط‌های شهری که واقعاً از جامعه کودکان حمایت کنند مستلزم بروسي و مطالعه دامنه گسترده‌اي از موضوعات در سطوح مختلف محلی، ملي و جهانی است. شهر را نابيد فقط محل سکونت دسته‌اي از افراد و مرکز قراردادها دانست، بلکه آن متشکل از روحيات، افکار، آداب و رسوم، معتقدات و احساسات خاصی همه افراد است (Moeois, 1968: 10).

### اساسنامه شهرهای دوستدار کودک (CFC)

در سپتامبر سال ۲۰۰۰ ميلادي، ديرخانه جهاني شهرهای دوستدار کودکان (CFC) ايجاد شدتا اين حمایت را انجام دهد و نيز مرجعی برای اين کار باشد. سازمان (CFC) اصول کلي را درباره حمایت از رشد شهرهای مطلوب کودکان و رشد همکاری‌های دیگر، آماده کرد. قبل از ۲۰۰۰ اين شبکه، فرم خاصی و هيچ تشکيلات پاسخگو برای ضروريات و كمبودها تا آن زمان نداشت. چنان که اساسی نامه در ۲۰۰۰ به اين شرح است:

- تحقیقات ميداني و نوآوري توسط دولت محلی در جهت احقاق حقوق کودکان؛

- گسترشی يك شبکه بر اساس اطلاعات کودکان در جهت ايجاد شهر ايده آلى برای آن‌ها؛

- حمایت از گسترش نشريات و ترويج و توسيع شهرهای دوستدار کودک در مراكز محلی و جهانی بر اساس معيارها و اساسنامه سازمان ملل متعدد جهت توسيع شهرهای دوستدار کودکان جهان (Riggio, 2002: 46).

### شاخص‌های شهر دوستدار کودک

پيمان جهاني حقوق کودک يك پسمان نامه بين المللی است که برای دفاع و حمایت از حقوق کودکان تهيه شده است. اين پيمان پس از ده سال گفتگو بين کشورهای عضو سازمان ملل در سال ۱۹۸۹ ميلادي تدوين گردیده و ۱۹۹۰ به مرحله اجرا درآمد. پيمان جهاني کودک دارای يك مقدمه و ۵۴ ماده است که مادگان حقوق کودک را مطرح می‌سازد و ۱۳ ماده درباره چگونگي اجرای آن در هر کشور است. اين پيمان به طور کلي چهار زمينه اصلی را در ارتباط با کودکان موردنوجه فرار می‌دهد که عبارت‌اند از: بقا، رشد، حمایت و مشاركت برخی از مفاد پيمان نامه به شرح ذيل هست:

همه کودکان باهم برابرند؛ همه کودکان حق دارند از تقدير مناسب برخوردار باشند؛ آزار و اذیت کودکان ممنوع است؛ همه کودکان حق تحصيل دارند؛ همه کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب دسترسی داشته باشند؛ همه کودکان می‌توانند عقاید خود را آزادانه بيان کنند؛ همه کودکان حق دارند از امکانات بهداشتی رفاهی برخوردار باشند؛ همه کودکان حق بازی دارند؛ کودکان بی‌سرپرست نياز به حمایت و پيژه دارند؛ شركت دادن کودکان در جنگ ممنوع است؛ همه کودکان حق برخورداری از مسكن مناسب را دارند & (Francis & Lorenzo, 2006).

در مقاله دريسكل معيارها چنین است: وجود انسجام و تعاملات اجتماعی، وجود مكانهای بازی و ورزش جذاب و متنوع برای کودکان و

نوجوانان و نیز برای تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی؛ خرید و فعالیت‌های عمومی؛ وجود اینمنی و آزادی حرکت؛ ایجاد مکان‌های خاصی برای همسالان (نقاط غیرقابل دیدی) که می‌تواند در خیابان، پارک‌های محلی، کافی‌شاپ‌ها، زمین‌های بازی باشد؛ وجود هویت اجتماعی برای کودکان در محله؛ وجود فضاهای سبز و دسترسی مناسب به طبیعت؛ عدم انزوا و تبعیض‌های اجتماعی؛ عدم یکنواختی محیط؛ نبود ترافیک سنگین؛ عدم وجود احساس ترس از جرم و مورد تعرض و آزار قرار گرفتن؛ عدم تجمع زباله در مکان‌های عمومی؛ وجود امکانات و خدمات و تجهیزات عمومی و اساسی در فضاهای عمومی شهر (Driskell, 2002). در گزارشی تحت عنوان "از کودکان پرسیم، مروری بر فهم کودکان از رفاه" که توسط دانشگاه گریفیت در بخشی از طرح مطالعه شهری برای کودکان انجام شد شش عامل اصلی برای رفاه کودکان در محیط شهری به دست آمد. نخست: افزایش توانایی کودکان برای انتخاب و دسترسی مستقل به دامنه گسترده‌های از خدمات، تسهیلات و فعالیت‌ها؛ دوم: ارتقاء توانایی و ظرفیت کودکان برای شرکت در زبانی‌ها و رقابت‌ها در محیط جامعه محلی؛ سوم: تضمین حقوق کودکان در مورد امنیت و سلامت در فضاهای عمومی شهر؛ چهارم: افزایش توانایی کودکان در احساس امنیت و ارتباط با محیط کالبدی و اجتماعی؛ پنجم: خلق فضاهای سبز و فضاهای طبیعی برای بازی و کسب آرامش & Woolecock & Steele, 2008). در تحقیق مشابهی که در سال ۲۰۰۲ توسط چاولا صورت گرفت و از طریق کار با کودکان ۱۰ تا ۱۵ سال و مشارکت آن‌ها انجام شد مواردی همچون: فضاهای سبز، تدارک تسهیلات و خدمات اساسی، تنوع نظامهای فعالیتی گوناگون، اینمی از خطرات فیزیکی، آزادی حرکت و جابجایی، فضاهای جمع کننده و گردآورنده، کاهش ترافیک، نبود زباله و آشغال در محیط و دسترسی مناسب در محیط تعیین شد (Chawla, 2002).

در پژوهشی که توسط بارتلت انجام شد لیستی از خواسته‌ها و نیازهای کودکان و سپس اولویت‌های آن‌ها جهت بهبود محیط کالبدی زندگی آن‌ها ارائه شد و شاخص‌هایی چون: وجود امنیت و اینمنی در محیط زندگی؛ داشتن محیط سالم و تأمین بهداشت عمومی؛ وجود فضاهایی برای فعالیت و بازی و تفریح برای کودکان؛ قابلیت شکل‌دهی به فضاهای وجود و دسترسی آسان به پارک‌ها و فضاهای طبیعی؛ در نظرگیری مسیرهای دوچرخه و پیاده و ارتقاء کیفیت پیاده‌رو؛ تأمین روش‌نایاب مناسب خیابان‌ها و فضاهای عمومی؛ حمل و نقل عمومی مناسب و در نظرگیری شرایط ویژه برای کودکان به دست آمد (Bartlett, 2005).

جدول ۱ - دیدگاه نظریه پردازان شهرسازی در رابطه با شهر دوستدار کودک مأخذ: (Bartlett, 2005)

نام نظریه پرداز	دیدگاه در خصوص کودک و ایجاد شهر دوستدار کودک
دایبرت اوئن	وی در مورد نقش کودک در جوامع شهری می‌گوید: «کودک هم می‌تواند با همین ابزار و از نظر توانایی‌های ماشینی و شیمیایی، پرورش یافته، مکان گرفته به کار گرفته شده و باری می‌شود، با توانایی‌هایی که از کشفیات علوم ناشی شده‌اند. در این شرایط هر کودک که در طبقه زحمتکش به دنیا می‌آید، هسته مهی برای جامعه خواهد بود.» (شوای، ۱۳۸۸: ۸۸)
لوکوربوزیه	به عقیده وی بررسی انسانی و عملکرد انسانی در طراحی شهرها به معنی تعیین نیازهای انسانی است. او می‌گوید: «در شهر با نشاط از امکانات فرازئی بهره‌مند هستیم، بچه‌ها می‌توانند با امنیت کامل در پارک بازی کنند، مردم به تفریح مشغول باشند و حمل و نقل مزاحمتی بوجود نیاورد» در طرح‌های وی فضاهای سبز و فضاهای بازی کودکان به میزان وسیعی در نظر گرفته شده است. (یالپایان، ۱۳۸۵: ۴۹۱)
کوبین لینچ	وی به بررسی تصورات ذهنی شهر و برشی کیفیت بصری مناظر شهری پرداخته است و کودکان را به عنوان شهر وندان کوچک که نیازمند داشتن تصویری واضح و خوانا از شهر و محل سکونت خود هستند می‌پنداشند. (شوای، ۱۲: ۱۳۸۸)
ابنزر هاوارد	وی خالق باغ - شهر است که در طرح‌های شهری خود به نیازهای اشاره مختلف جامعه به خصوص کودکان توجه خاصی داشته است. از جمله واحدهای مسکونی دارای باغ و چمن و فضای بازی، مدارس، توزیع امکانات و ... می‌توان توجه وی را به قشر کودکان مشاهده نمود. (همان، ۱۳۸۱: ۲۸۱)

همچنین در مطالعاتی که توسط انجمن جلوگیری از سوءاستفاده از کودکان انجام شد مکان دوستدار کودک معرفی شد که دارای این ویژگی‌ها باشد: اظهارنظر؛ مشارکت کودکان و دریافت اطلاعات؛ دریافت آموزش‌ها و فرصت‌ها برای رشد کامل اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی و روحی روانی کودکان؛ برآورده شدن نیازهای اساسی غذا، پوشش، پناهگاه و سلامتی کودکان؛ امنیت در مقابل آسیب و انواع سوءاستفاده‌ها؛ فضاهای سبز مشوق فعالیت‌های بازی در بیرون؛ دسترسی به منابع یادگیری مانند کتابخانه؛ و درنهاست تأمین حمل و نقل

عمومي مناسب و خدمات ضروري (Woolcock & Steele, 2008).

در پژوهشي ديجير توسط انجمن همكاری در پژوهشي در مورد کودکان و جوانان استراليا در سال ۲۰۰۶، هشت شاخص معرفی شد: گوش دادن؛ طراحی و شركت در فعالities با کودکان محلی؛ شناسايی کودکان محلی و خانوادهای شرکا و همكاران ارزشمند در زندگی اجتماعی؛ تدارك امنيت وايمى برای کودکان؛ تهيه چشم انداز يك جامعه مرتبط و وابسته به هم؛ طراحى فضاهاي خلاق برای کودکان؛ فراهم کردن بستر يادگيري و توسعه برای کودکان در فضاها و مكانهای روزمره؛ تأمین تسهيلات و خدمات برای خانوادهها؛ صرف زمان برای کودکان برای مشاركت و دريافت ايندهایانها (Howard, 2006).

ليزا هارلى نيز در پژوهشي بر روی کودکان و نوجوانان ده شاخص معرفی کرد: مسكن و محل سکونت امن، ايمن و اعطاف پذير؛ تأمین خدمات پایه برای کودکان؛ تضمين امنيت فيزيكى و روانى کودکان؛ فراهم آوردن فرصت هاي برای مشاركت کودکان در برنامه ريريزي و توسيعه؛ خلق فرصت هاي برای برقراری روابط نزديك و تعاملات اجتماعي با دوستان، اقوام، خانواده و افراد جامعه؛ استانداردهاي بالاي کيفي عناصر فيزيكى محيط، تدارك و خلاق فرصلت هاو موقعیت هاي مناسب برای ايجاد تنوعی از فعالities؛ تدارك و توزيع مناسب منابع و کاهش فقر؛ حفاظت طبیعت و کاربرد اصول توسعه پایدار در ساخت محیط و جامعه؛ حسی تداوم فرهنگی و حس تعلق به يك مكان خاصی در يك زمان خاصی؛ اداره و کنترل محلی اعطاف پذير که نظرات کودکان را به حساب بياورد و تدارك ساختار مشاركتي مانند طرح هاي مشاركت (Horrel, 2007). در پژوهشي در سال ۲۰۰۲ در فرانسه انجمني وابسته به یونیسف و با همكاری انجمن ملي شهرداری هاي فرانسه مبحشي جهت دستيابي به شهر دوستدار کودک مطرح شد که در نهايیت شاخص هاي تعیین شده در دسته هاي چون مشاركت دهی کودکان، امكان ابداعات برای کودکان، اطلاع رسانی بهتر، دسترسی به آموزش و سلامتی دسته بندی شدند (Unicef, 2011).

در يك طرح تحقیقاتي در آفریقاي جنوبی در نظرخواهی که از کودکان ۱۰ تا ۱۴ سال انجام شد، سفارش هاي اساسی کودکان در مورد اصلاح محیط زندگی آنان به دسته تقسیم شد: فضاهاي بازي کافي، امن وايمى با تجهيزات ايمى؛ فضاهاي همگانی بي خطر و امن؛ حل مشكلات عابر پياده؛ ايجاد مسیرهای پياده؛ تدارك تسهيلات کافي برای عابر پياده؛ حمل و نقل عمومي با هزينه پايین و در نظر گرفتن سهيلاتي برای کودکان؛ مديریت مناسب سیستم مجمع آوری و دفع زباله؛ حل مشكل استفاده از مشروبات الكلی، Satterthwaite (2004). ديويد دريسكل در اقدامي که با همكاری اعضای طرح رشد یافتن در شهرها انجام داده بود اين موارد را به عنوان درخواست ها و اميدهای کودکان بدون توجه به مكان و محل زندگی آنها عنوان کرده بود: آب سالم و غذای کافي؛ نیاز به سلامت و داشتن فضای کافي برای رشد، بازي و يادگيري؛ نیاز به دوستان و خانوادهای که دوستشان بدارند و از آنها مراقبت کنند؛ مشاركت در جامعه و بالارزش تلقی شدن؛ همكاری با بزرگسالان برای ساختن مكان هاي بهتر؛ نیاز به صلح و داشتن امنيت در برابر خطرات و خشونت ها؛ دسترسی به محیط تمیز و تماس راحت با طبیعت؛ شنیده شدن و جدی گرفتن نظرات آنها (Driskell, 2002).

جدول ۲- شاخص هاي مثبت در ايجاد شهر دوستدار کودک از ديدگاه دريسكل - مأخذ: (Al-Zoabi, 2000)

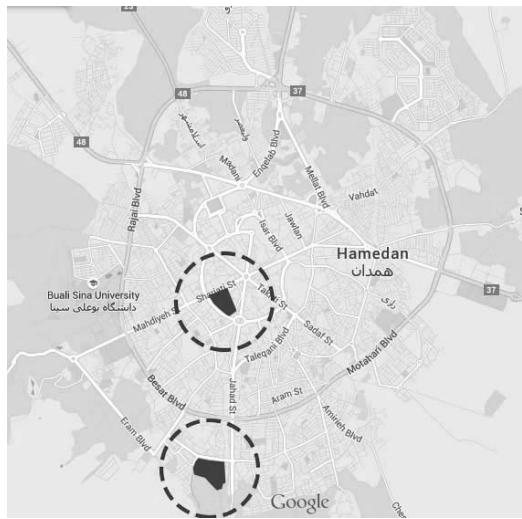
ردیف	شاخص هاي مثبت	تعريف
۱	همبستگي اجتماعي	احساس خوشبیني به ديجران دارند، در مكان هاي عمومي و نيمه عمومي به تعامل پيردازنده و به طور کلي احساس ارزمند بودن و تعلق به جامعه داشته باشند.
۲	تنوع مكان هاي پرجاذبه برای فعالیت	مکان هاي متنوع برای جوانان وجود دارد؛ از جمله مکان هاي که در آن جوانان می توانند دوستان خود را ملاقات کنند، با يك ديجر صحبت کنند، بازي و ورزش کنند، در کارهای اجتماعي شرکت کنند، خريد کنند، تنها باشند یا شاهد فعالیت ديجران باشند.
۳	امنیت و آزادی حرکت	جوانان نسبت به جرم احساس امنیت داشته باشند و ترس حرکت آنها را محدود نسازد.
۴	مكان ملاقات افراد هم سن و سال	در جامعه باید مکان هاي دنیجي در اختیار جوانان قرار گیرد تا آنان بتوانند در آنها به ورزش و فعالities اجتماعي پيردازنند. از جمله اين مکان هاي می توان به يك گوش دنچ خیابان، مکانی در پارك، يك کافي شاب یا فروشگاه، زمين بازي یا مرکز اجتماع اشاره کرد.
۵	هویت اجتماعي	جوانان از تاریخ جامعه خود آگاه بوده و نسبت به دستاوردهای آن احساس غور می کنند. آنان شرکت کنندگان فعال در برنامه هاي فرهنگي و اجتماعي شهر خود می باشند.
۶	محدوده هاي سبز	فضای سبز به اشكال گوناگون از زمين هاي مسطح سبز برای مسابقات ورزشی دورهای گرفته تا پارک هاي پوشیده درختان و گیاهان، در واقع مراد دريسكل از محدوده هاي سبز انواع زمين هاي بازي و تفريح برای کودکان از جمله پارك است.

جدول ۳- شاخص‌های منفی در ایجاد شهر دوستدار کودک از دیدگاه دریسکل مؤذن: (Al-Zoabi, 2000)

ردیف	شاخص‌های منفی	تعریف
۱	زنگ و محرومیت اجتماعی	با سایر گروه‌های سنی معاشرت نداشته باشد، احساس رها بود داشته باشد، در مکان‌های عمومی دیده نمی‌شوند و به سبب سایت‌های مجاز به اجتماع با هم سالان نمی‌باشند.
۲	کسالت و بی‌حوصلگی	مکان‌های جوانان بسیار کسالت آور یا مملو از زیاله می‌باشد به نحوی که آنها از رفتن به آنجا پرهیز می‌کنند.
۳	ترس از آزار و جنایت	جوانان به سبب ترس از آزار و اذیت و اعمال خشونت آمیز از رفتن به مکان خاصی امتناع کنند.
۴	تش‌قومی یا نژادی	جوانان ترس و ننگ از تزاد یا قوم را تجربه می‌کنند.
۵	ترافیک سنجین	خیابان‌های مملو از خودرو و فضای کمی را برای تردد و حرکت باقی می‌گذارد. سرعت بالا و حجم ترافیک گسترده حرکت را نامطبوع و نامن کرده و مانع جدی برای تحرک ایجاد می‌کند.
۶	زیاله‌های جمع آوری نشده	جوانان به پارک‌ها و خیابان‌های مملو از زیاله به عنوان مناظر زشت و نشانه‌های غفلت مستواً می‌نگرند.
۷	فقدان خدمات اولیه	فقدان خدمات اولیه چون آب، سیستم فاضلاب و جمع آوری زیاله‌ها موجب تحقیر و شرم جوانان می‌شود.
۸	احساس عدم قدرت سیاسی	جوان نسبت به ایده و باورهای خود شک دارند، اطمینان ندارند که بزرگسالان آنها را جدی می‌گیرند. این نارضایتی به صورت سوژن نسبت به اتفاقات و مسئولین سیاسی انعکاس می‌یابد.

جدول ۵- جدول شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها

شاخص‌های شهر دوستدار کودک	زیر شاخص‌ها
۱. ایمنی و امنیت	۱. سرعت‌پایین سواره ۲. راحتی پیاده‌ها و دوچرخه‌سوارها در تردد در معابر ۳. پایین بودن احساس ترس از محیط در کودکان ۴. وجود نظارت عمومی در معابر و فضاهای عمومی ۵. میزان فعالیت و بازی و تفریح کودکان در معابر و فضاهای عمومی
۲. وجود و دسترسی مناسب به فضاهای سبز و طبیعی	۱. اختصاصی سطح مناسبی از اراضی منطقه به پارک و فضای سبز ۲. دسترسی کالبدی مناسب به پارک‌ها و فضاهای سبز ۳. وجود سلسله مراتی از فضاهای سبز در منطقه
۳. وجود فضاهای باز عمومی و همگانی دارای فعالیت‌های متنوع	۱. اختصاصی سطح مناسبی از محله به فضاهای باز عمومی ۲. وجود سلسله مراتی از فضاهای باز عمومی در محله ۳. امکان انجام فعالیت‌های متنوع گروهی ورزشی و تفریحی کودکان در این فضاهای باز
۴. دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی (آموزشی، بهداشتی و ورزشی)	۱. وجود دبستان در هر محله ۲. وجود سرانه مناسبی از کاربری‌های آموزشی، ورزشی، بهداشتی و تجاری - خدماتی
۵. وجود حمل و نقل عمومی مناسب و به خصوصی وجود مسیرهای پیاده و دوچرخه مناسب	۱. وجود وسایل نقلیه عمومی مناسب برای ارتباط منطقه به سایر نقاط شهر ۲. وجود مسیرهای مخصوص پیاده و دوچرخه در منطقه
۶. ع مشارکت و ارزش‌دهی به کودکان	۱. استفاده از نظرات کودکان در طراحی محیط توسط طراحان و برنامه‌ریزان و مسئولین محلی ۲. آموزشی به کودکان در مورد مسائل محیطی
۷. وجود محیط سالم و عاری از زیاله‌ها و آلاینده‌ها	۱. جم‌آوری به موقع زیاله‌ها و باقی نماندن زیاله‌ها در محیط ۲. عدم وجود کارگاه‌ها و مراکز آلاینده در داخل یا نزدیکی محیط مسکونی
۸. ایجاد و طراحی محیط‌های تفریح و سرگرمی برای کودکان	۱. وجود فضاهای و زمین‌های مناسب ازلحاظ اندازه و کیفیت برای بازی و فعالیت‌های کودکان ۲. در نظرگیری وسایل بازی و محیط‌های ای‌انعطاف‌پذیر برای فعالیت و تفریح کودکان



تصویر ۲- موقعیت دو محله قدیمی و جدید شهر (نمونه پژوهش)

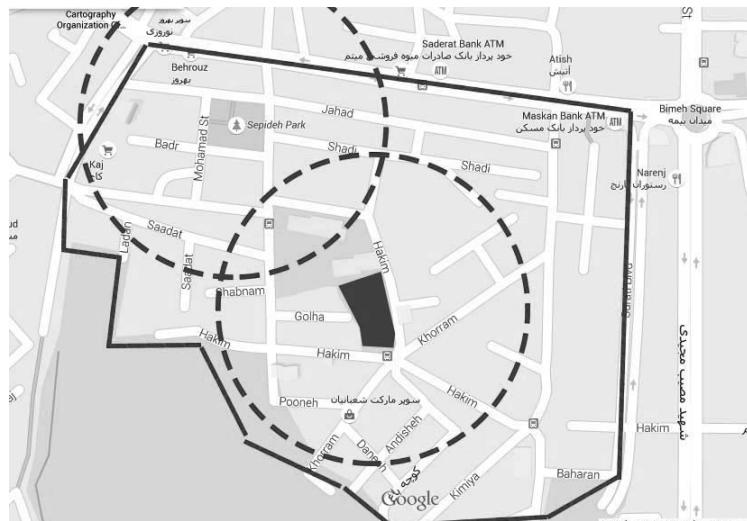
**نمونه‌های موردی ( محله‌های کبایان و حکیم )**  
 بخش زیادی از شهر همدان بر اساس مدل نظری به دست آمده مورد ارزیابی قرار گرفت اما برای برداشت‌های میدانی دقیق‌تر و جمع‌آوری پرسشنامه نیاز به جامعه آماری محدودتری بود. به همین دلیل دو محله متفاوت از نظر بافت سنتی و مدرن که در نقاط متفاوتی از شهر از نظر خدمات و طراحی قرار گرفته‌اند. برای این منظور انتخاب شد. موقعیت این محله‌ها در تصویر شماره ۴-۶ قابل مشاهده است. در تحلیل گرافیکی به روش عکس‌برداری به مشکلاتی همچون وضعیت نامناسب پیاده‌روها، فضاهای باز و بدون استفاده محله، تداخل فعالیت کودکان و حرکت اتومبیل‌ها در محله، روشنایی ناکافی فضاهای محله، عدم فضای مناسب برای تجمع کودکان، کمبود پارک و فضای بازی کودکان و طراحی نامناسب بوستان‌ها برای کودکان رسیدیم.



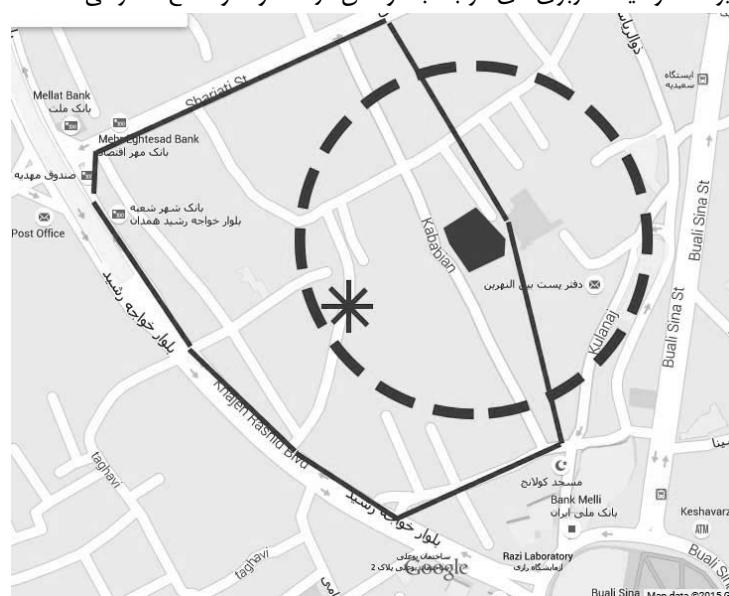


تصویر ۳- مشکلات محله برای استفاده کودکان

در تحلیل گرافیکی نقشه، به کاربری‌های مرتبه باکودکان در وضع موجود از قبیل دبستان، پارک و بوستان و مهدکودک، شعاع دسترسی و موقعیت آن‌ها نسبت به یکدیگر پرداختیم. شکل شماره ۴ و ۵ نشان‌دهنده موقعیت این کاربری‌ها و شعاع دسترسی به بوستان‌ها و پارک محدوده است.



تصویر ۴- موقعیت کاربری‌های مرتبه با کودکان در محدوده و شعاع دسترسی محله حکیم



تصویر ۵- موقعیت کاربری‌های مرتبه با کودکان در محدوده و شعاع دسترسی محله کابیان

### اهداف فرعی این پژوهش در نمونه‌های موردی

- ارزیابی اصول طراحی محلات دوستدار کودک در محله حکیم شهر همدان؛
  - شناسایی نیازهای کودکان در محلات شهر همدان؛
  - شناسایی عناصر کالبدی مهم برای کودکان، روابط و ویژگی‌های آن‌ها در ساختار محلات شهر می‌باشد.
- برای رسیدن به این اهداف پرسشنامه‌هایی با سوالات نوشتاری و تصویری ابتدا در میان ۱۰ کودک برای اطمینان از نتیجه بخشی آن مورد آزمون قرار گرفت و پس از آن در اختیار ۵۰ کودک محله برای پاسخگویی قرار گرفت. نتایج به این قرار است: دروش مصاحبہ با سه گروه شامل کودکان ۷-۵ سال، کودکان گروه سنی دبستان (۱۰ و ۱۱ سال) انجام گرفت. مصاحبہ با کودکان به صورت انفرادی انجام گردید.

جدول ۶- سنجش وضعیت شاخص‌های فضای شهری کودک مدار در محله کیاپیان (با طیف لیکرت)

شاخص‌های شهر دوستدار کودک	امتیاز (طیف لیکرت)	وضعیت کلی
خوب	۳.۸	۱. ایمنی و امنیت
نامناسب	۱.۳	۲. وجود و دسترسی مناسب به فضاهای سبز و طبیعی
متوسط	۳	۳. وجود فضاهای باز عمومی و همگانی دارای فعالیت‌های متنوع
متوسط	۳.۲	۴. دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی (آموزشی، بهداشتی و ورزشی)
متوسط	۲.۹	۵. وجود حمل و نقل عمومی مناسب و به خصوصی وجود مسیرهای پیاده و دوچرخه مناسب
نامناسب	۱	۶. مشارکت و ارزش‌دهی به کودکان
متوسط	۲.۸	۷. وجود محیط سالم و عاری از زباله‌ها و آلاینده‌ها
نامناسب	۱	۸. ایجاد و طراحی محیط‌های تفریح و سرگرمی برای کودکان

به دلیل وجود معابر پر پیچ و خم در بافت ارگانیک این محله و فضاهای باز برخی قسمت‌ها وضعیت ایمنی پیاده در مقابل سواره شرایط بهتری نسبت به محله‌های جدید جنوب دارد که با تعریض معابر این وضعیت رو به تغییر است؛ اما به دلیل فقدان فضا سبز و پارک محلی به دلیل تراکم نزدیک به مرکز شهر وضعیت این شاخص نامناسب است. به این ترتیب تک‌تک شاخص‌ها به وسیله پرسشنامه مشاهده شرایط بافت در ساعت مختلف مورد ارزیابی و امتیازدهی قرار گرفت.

جدول ۷- سنجش وضعیت شاخص‌های فضای شهری کودک مدار در محله حکیم (با طیف لیکرت)

شاخص‌های شهر دوستدار کودک	امتیاز (طیف لیکرت)	وضعیت کلی
متوسط	۲.۷	۱. ایمنی و امنیت
متوسط	۳.۶	۲. وجود و دسترسی مناسب به فضاهای سبز و طبیعی
متوسط	۳.۲	۳. وجود فضاهای باز عمومی و همگانی دارای فعالیت‌های متنوع
خوب	۳.۹	۴. دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی (آموزشی، بهداشتی و ورزشی)
متوسط	۳.۴	۵. وجود حمل و نقل عمومی مناسب و به خصوصی وجود مسیرهای پیاده و دوچرخه مناسب
نامناسب	۱.۵	۶. مشارکت و ارزش‌دهی به کودکان
خوب	۴.۱	۷. وجود محیط سالم و عاری از زباله‌ها و آلاینده‌ها
نامناسب	۱.۳	۸. ایجاد و طراحی محیط‌های تفریح و سرگرمی برای کودکان

به طور کلی وضعیت شاخص‌ها در محله حکیم در بافت جدید شهر مناسب‌تر است. به دلیل در نظر گرفتن برخی کاربری‌های واجب مثل پارک محلی و یا وجود معابر مستقیم و عریض که از طرفی ایمنی پیاده در مقابل سواره را کم کرده اما از طرفی به دلیل وجود دید کافی شرایط بهتری برای دوچرخه‌سواری مجاہ شده است.

برخی شاخص‌ها مثل مشارکت و ارزش‌دهی به کودکان و ایجاد و طراحی محیط‌های تفریح و سرگرمی برای کودکان به دلیل عدم توجه به کودکان در طرح اولیه محله‌ها و عدم مشارکت واقعی آن‌ها در تصمیم‌ها و اعمال نظرها از وضعیت بسیار ضعیفی برخوردارند.

## یافته‌ها و تحلیل‌ها

بخش زیادی از شهر همدان بر اساس مدل نظری به دست آمده مورد ارزیابی قرار گرفت اما برای برداشت‌های میدانی دقیق‌تر و جمع‌آوری پرسشنامه نیاز به جامعه آماری محدودتری بود. به همین دلیل دو محله متفاوت ازنظر بافت سنتی و مدرن که در نقاط مختلف شهر از نظر خدمات و طراحی قرار گرفته‌اند برای این منظور انتخاب شد. موقعیت این محله‌ها در تصویر شماره ۱-۵ قابل مشاهده است.

برای رسیدن به این اهداف پرسشنامه‌هایی با سوالات نوشتاری و تصویری ابتدا در میان ۱۰ کودک برای اطمینان از نتیجه بخشی آن مورد آزمون قرار گرفت و پس از آن در اختیار ۵۰ کودک محله برای پاسخگویی قرار گرفت. نتایج به این قرار است: درروش مصاحبه با سه گروه شامل کودکان ۷-۵ سال، کودکان گروه سنی دبستان (۱۰ و ۱۱ سال) و والدین کودکان انجام گرفت. مصاحبه با کودکان به صورت انفرادی و مصاحبه والدین به صورت بحث‌های گروهی کانونی و گروه کوچک در جلو دبستان محله انجام گردید. نتایج آن به قرار زیر است:

مصاحبه با کودکان ۷-۵ سال نشان داد که بیشتر آن‌ها موافق با پیاده‌روی تا مهدکودک هستند. دوست دارند از عصر تا شب به همراه والدین به پارک بروند، دوست دارند مهدکودک نزدیک به خانه آن‌ها باشد، دوست دارند در نزدیکی مهدکودک و خانه آن‌ها پارک وجود داشته باشد، همه کودکان به دلایل سرعت بالای ماشین‌ها دوست نداشتن در کوچه‌های محله بازی کنند، باوجود علاقه به دوچرخه‌سواری در کوچه به دلیل عدم امنیت ناشی از عور اتومبیل این علاقه را نفی می‌کرند، بیشتر کودکان به دلیل دوری مهدکودک از خانه و ترس عبور از عرض خیابان و سرعت بالای اتومبیل‌ها به همراه والدین و یا با سرویس به مهدکودک می‌آمدند. بیشتر کودکان محل بازی با همسایان خود را حیاط یا پیلوت آپارتمان خود ذکر می‌کرند و محل امنی در نزدیکی خانه خود برای بازی نداشتند.

مصاحبه با کودکان ۱۰ و ۱۱ سال که بیشترین تعامل را با محله خود داشتند نشان داد که: پارک‌های کوچک محلی، زمین فوتبال، زمین‌بازی، مسیرهای دوچرخه، کتابخانه از مکان‌های موردنیاز آن‌ها در محله است؛ امکانات بازی و تفریح آن‌ها در محله به یک پارک و چند بوستان کوچک محدود می‌شود و این‌ها را ناکافی می‌دانند؛ کودکان به وضعیت نامناسب پیاده‌روها بخصوص در زمستان اشاره کرند و همچنین اختلاف سطح‌های موجود در آن‌ها، پارک اتومبیل‌ها در مسیر پیاده‌روها که منجر به استفاده آن‌ها از مسیر سواره‌رو می‌شود، عرض کم پیاده‌روها را از مشکلات پیاده‌روها برشمددند و همگی موافق با ساماندهی پیاده‌روها و استفاده از کفپوش‌های رنگی و غیر لغزنه بودند؛ کودکان موافق ایجاد مسیرهایی برای دوچرخه‌سواری مخصوصاً در فواصل بین خانه تا پارک و مدرسه خود بودند؛ فضای سبز محله را کافی می‌دانند؛ روابط کودکان محله با یکدیگر رضایت‌بخش نیست، دبستان محله که ورود همه کودکان را به آن محدود می‌سازد موجب استفاده کودکان از مدارس خارج از محله گردیده است؛ روش‌نایابی معبّر و فضاهای محله را در شب ناکافی می‌دانند؛ این‌می‌معابر محله در فواصل بین خانه تا مدرسه خود را پایین می‌دانند.

در مصاحبه گروهی با والدین کودکان در محله به پاسخ‌های مشابهی رسیدیم که عبارت‌اند از:

- مکان و زمان کافی برای بازی با کودکان ندارند.

- کودکان آن‌ها ترجیح می‌دهند با گروه‌های هم‌سن خود بازی و به تفریح پردازند.

- امنیت کافی برای اینکه به کودکان خود اجازه دهند، بدون حضور آن‌ها در محله بازی کنند و یا پیاده به مدرسه بروند، را احساس نمی‌کنند.

- فاصله خانه تا مدرسه و پارک زیاد است.

- امکان نظارت والدین بر بازی کودکان وجود ندارد و همسایه‌ها شناختی از هم برای مراقبت و احساس مسئولیت در قبال دیگر کودکان ندارند.

برای دستیابی به ویژگی‌های ساختار فضایی محلات و ویژگی‌ها و روابط عناصر کالبدی مهم برای کودکان با شاخص نیازهای کالبدی کودکان در محله به بازتفسیر اطلاعات به دست آمده از روش‌های پرسشنامه، مصاحبه و تحلیل‌های گرافیکی پرداخته و نتایج زیر به دست آمد:

از مقایسه پاسخ‌هایی به دست آمده از سؤال زمان رسیدن شما به مدرسه به صورت پیاده چقدر است؟ و با چه وسیله‌ای به مدرسه می‌آید؟ این نتیجه حاصل شد که کودکانی که مسافت زمانی بین خانه تا مدرسه آن‌ها کمتر از ۵ دقیقه است پیاده به مدرسه می‌آیند و

کودکانی که مسیر آن‌ها ۱۰ دقیقه و بیشتر است این مسیر را با اتومبیل طی می‌کنند. این مورد می‌تواند در طراحی موردنظر قرار گیرد تا فاصله زمانی خانه تا مدرسه کودکان بیشتر از ۵ دقیقه نباشد. اگر به پاسخ‌های بهدست‌آمده از سؤال‌های با چه وسیله‌ای به مدرسه می‌آید؟ و کدام‌یک از موارد (توبوس مدرسه و یا پیاده‌روی دسته‌جمعی تا مدرسه) را برای رفتن یا برگشتن از مدرسه بیشتر دوست دارد؟ توجه کنیم در سؤال اول درصد بالایی از کودکان مسیر خانه تا مدرسه را با اتومبیل (سرویس مدرسه) طی می‌کنند و تقاضاً زیادی بین درصد کودکانی که پیاده به مدرسه می‌روند و با اتومبیل می‌روند دیده می‌شود، اما در سؤال دوم درصد زیادی از کودکان تمایل به پیاده‌روی دسته‌جمعی به مدرسه را دارند و نشان‌دهنده آن است که اگر این مسیر مناسب با کودکان طراحی شود، می‌توان به طی مسیر توسط کودکان به صورت پیاده اطمینان نمود.

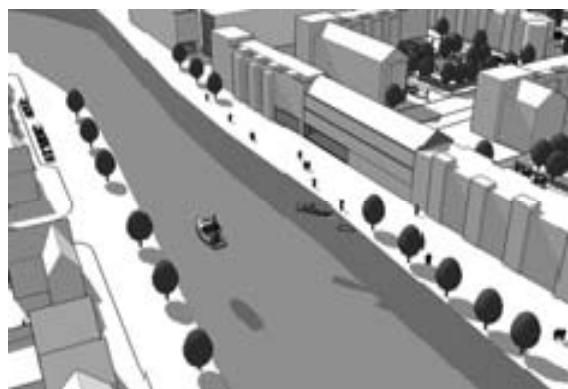
۴۷٪ درصد از کودکان در پاسخ به این سؤال که دوست دارید اوقات فراغت خود را به کجا بروید؟ به پارک اشاره کردند. همچنین ۳۲٪ به بازی با دوستان در محله و تنها ۲٪ از کودکان به کلوب بازی‌های کامپیوتری در سؤال محل بازی شما در محله کجاست؟ جواب داده بودند. این مسئله نشان‌دهنده آن است که کلوب بازی‌های کامپیوتری باید در طراحی محله به عنوان مکانی که کودکان به آن نیاز دارند، دیده شود. در مقایسه دیگری از این دو سؤال در می‌یابیم که درصدی از کودکان هستند که تمایل به گذراندن اوقات فراغت خود در کوچه‌های محله دارند.

تضادی در وضع موجود و نیازهای کودکان، در سؤال دوست دارید اوقات فراغت خود را به کجا بروید؟ که درصد بالایی را پارک به خود اختصاص داد و نتایج مصاحبه که کودکان به کمبود پارک و فضاهای کودکان اشاره کرده بودند و از سوی دیگر در سؤال فاصله زمانی خانه شما تا نزدیک‌ترین پارک محله به صورت پیاده چقدر است؟ به این نتیجه رسیدیم که نزدیک به نیمی از کودکان مسیر بیشتر از ۵ دقیقه را برای رسیدن به پارک باستی طی کنند که این خود نشان‌دهنده کمبود این فضاست. مجموع این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در طراحی محله می‌بایستی فضاهایی را برای ایجاد پارک‌های محلی که نزدیک به خانه‌ها باشد در نظر گرفت.

از کنار هم قرار دادن پاسخ به سؤالات دوست دارید در چه زمان‌هایی به پارک بروید؟ و در تابستان تا چه وقتی از روز را در خارج از خانه می‌گذرانید؟ که بیشترین جواب‌ها عصرها و شبها بوده است و پاسخی که کودکان در مصاحبه در رابطه با روشنایی معابر دادند و آن را ناکافی دانسته‌اند، لزوم نورپردازی مناسب معابر و فضاهای مرتبط با کودکان را قوت می‌بخشد. در سؤالی از پرسشنامه از کودکان خواسته شده بود تا تصویر مورد علاقه خود را انتخاب کنند.



تصویر ۶-۲- انتخاب تصویر مورد علاقه



تصویر ۶-۱- انتخاب تصویر مورد علاقه

درصد بالایی از کودکان تصویر دوم را انتخاب کردند، تصویر دوم منطقه امن خانگی را نشان می‌دهد. در این منطقه طراحی به صورتی انجام گرفته است که سرعت اتومبیل‌ها را کاهش داده و فضایی امن برای بازی و فعالیت کودکان در کوچه‌های محله را که دریکی از سؤالات درصدی قابل توجه از کودکان به آن اشاره کرده بودند را فراهم می‌آورد. در سؤالی از کودکان خواسته شد تا از میان دو فضا که یکی نشان‌دهنده خیابانی با ساختمان‌های بلند و فضای دیگر فضایی با ساختمان‌های کم ارتفاع را نشان می‌دهد.



تصویر ۲-۷- انتخاب فضا



تصویر ۱-۷- انتخاب فضا

نزدیک به ۷۵٪ از کودکان خیابان با ساختمان‌های کوتاه را انتخاب نمودند. این نشان می‌دهد که ارتفاع ساختمان‌ها در محدوده موردمطالعه چیزی نیست که کودکان آن را دوست داشته باشند؛ اما در نقاشی‌هایشان می‌توان دید که ساختمان‌های چندطبقه را پذیرفته و احساس ناخوشایندی از آن ندارند.

اگر دو سؤال نوشتاری و تصویری در مورد فضاهای موردعلاقه کودکان در محله را در کنار هم قرار دهیم:



تصویر ۲-۸- انتخاب محل بازی



تصویر ۱-۸- انتخاب محل بازی

در سؤال تصویری کودکان از میان زمین‌بازی و بازی در کوچه‌های محله، اکثریت به زمین‌بازی اشاره کردند، اهمیت زمین‌بازی و نیاز کودکان به آن در نقاشی کودکان نیز کاملاً مشهود است؛ اما در سؤال نوشتاری این درصد برعکس بود. عواملی ازجمله عدم اطلاع کودکان از زمین‌بازی به دلیل عدم زمین‌بازی مناسب در محله که در تحلیل‌های گرافیکی به آن رسیدیم و یا جذابیت تصویر زمین‌بازی برای آن‌ها باشد. در مصاحبه با کودکان زمین‌بازی برای آن‌ها توضیح داده شد که درنتیجه آن کودکان آن را از نیازهای خود در محله برشمردند.

در نقاشی کودکان از ترسیم خطوط وسط خیابان‌ها توسط اکثر آن‌ها می‌شود دریافت که کودکان توجه زیادی به جزئیات کف دارند و در سؤالی که کفپوش موردعلاقه کودکان از آن‌ها پرسیده شد، کودکان کفپوش‌های شکل دار بارنگ‌های متعدد را بیشتر دوست دارند؛ بنابراین در طراحی‌ها بایستی جزئیات کف را مطابق خواسته آن‌ها با شکل‌ها و رنگ‌های کودکانه مدنظر داشت. کودکان بایستی با عناصر طبیعی در ارتباط باشند و این عناصر می‌توانند به عنوان وسایل بازی برای آن‌ها محسوب گردد. کودکان علاقه بسیاری به بازی با آب از خود نشان دادند، بنابراین از این عنصر می‌توان و بایستی در فضاهای بازی آن‌ها مثل پارک و زمین‌های بازی که در سؤالات به آن‌ها اشاره کردند، لحاظ نمود.

در مصاحبه با کودکان در مورد نظر آن‌ها در رابطه با ساماندهی پیاده‌روها، کودکان به وضعیت نامناسب پیاده‌روها در زمستان و دیگر مشکلات آن اشاره کردند که در عکس‌ها نیز این موضوع کاملاً مشهود است. پیاده‌روهای جذاب و متصل بهم با کفپوش‌های کودک پسند می‌توانند تأثیر بسزایی در پیاده‌روی کودکان و امنیت آن‌ها داشته باشد. با توجه به نقاشی کودکان از محله موجود خود می‌توان دریافت که تعریف محله برای اکثر آن‌ها محدود به کوچه‌ای است که خانه آن‌ها در آن قرار دارد. خیابان به عنوان مسیری است چهت تردد اتومبیل و حضور کمرنگ عنصر آدم و بخصوص کودک در نقاشی، نشان‌دهنده عدم حضور پذیری کوچه‌های محله برای افراد پیاده و کودکان است. پارک و مدرسه در تعداد کمی از نقاشی‌ها می‌شود و خانه آن‌ها بدون هرگونه ارتباطی با این عناصر دیده شده است. عنصر درخت و فضای سبز درصد بالایی را در نقاشی کودکان به خود اختصاص داده است که نشانه اهمیت این عنصر در دید کودکان است. میدان محلی با فضای سبز میانی به عنوان فضایی برای بازی کودکان و فعالیت‌های مختلف ترسیم شده است و در چند نقاشی دیده می‌شود که نشانگر اهمیت میدان‌ها در درک کودکان از محله است.

آنچه در عکس‌های مربوط به پارک محله مشهود است، عدم طراحی و فضاسازی این مکان‌ها برای کودکان است. هیچ‌گونه مبلمان خاص کودکان و فضاهای بازی در این بستان‌ها به چشم نمی‌خورد. وسایل ورزشی بزرگسالان و نیمکت‌های مناسب آن‌ها در آن تعبیه گردیده است و این موضوع باعث استفاده بیشتر گروه بزرگسالان از این فضاها گردیده است. تعدادی از کودکان محله خود را به شکل پارک دیده‌اند، این بدان معناست که برای کودکان پارک به عنوان هویت محله مطرح است.

از تحلیل پرسشنامه و مصاحبه با کودکان و والدین به دو نکته پی می‌بریم:

اول اینکه کودکان دوست دارند بیشتر با همسن‌وسال‌ها و دوستان خود در پارک و محله بازی کنند و ساعتی از عصر تا شب را به این مکان‌ها بروند؛ اما در مصاحبه گروهی از والدین به نظرهای مشترکی رسیدیم که والدین امنیت محله و مکان‌های بازی را کافی نمی‌داند و وقت زیادی برای همراهی با کودکانشان ندارند. دومین مورد اینکه درصد زیادی از کودکان دوست دارند که پیاده به مدرسه بروند اما همان دلایل عدم امنیت و وقت ناکافی والدین آن‌ها را از این نیاز محروم می‌سازد.

## نتیجه‌گیری

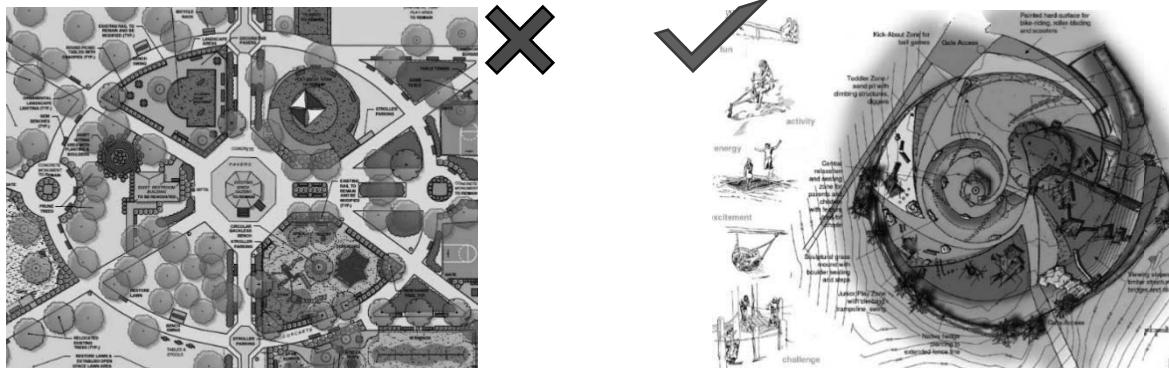
کودک مداری و توجه بیش از پیش به این قشر بالرژش و آسیب‌پذیر جامعه یک بحث بسیار گسترده و کلی است که مقالات و کتاب‌های بسیار نوشته و پژوهش‌های بسیاری درباره آن انجام شده است؛ ولی مطلبی که تابه‌حال به آن پرداخته نشده است سنجش میزان کودک مداری محیط و درنتیجه آن شناسایی دقیق نقاط ضعف و قوت می‌باشد. در این پایان‌نامه در راستای همین مسئله به تعیین و ایجاد چارچوب شاخص‌ها برای شهر دوستدار کودک و در ادامه آن به تعیین زیر شاخص‌هایی برای هر شاخص (برای بررسی دقیق‌تر این مسئله در محیط) پرداخته شد و با استفاده از آن‌ها و روش ارزیابی این مسئله کاملاً کیفی را به صورت کمی در دو منطقه ارزیابی و مقایسه کرد؛ اما نکته مهم این است که این چارچوب با مطالعات بیشتر و انجام بررسی‌ها و پژوهش‌های میدانی بیشتر و نقاط متفاوت می‌تواند کامل‌تر و گسترده‌شود که در چارچوب زمانی و امکانات این پژوهش نبوده است؛ بنابراین امید است که این پژوهش‌ها ادامه پیداکرده و نقصان فعلی را جبران کند. از طرفی دیگر باید توجه داشت که نیازهای کودکان فقط ابعاد محیطی ندارد و نیاز به توجهات بسیار دیگر برای مثال در ابعاد سیاسی و اقتصادی دارد که باید به خصوص از سوی مسئولان و در سطح کلان موردنیازه قرار گیرد تا بتوان شاهد آینده‌ای روشن و زیبا برای کودکان این مزروعیم بود.

هدف اصلی از این تحقیق دستیابی به ویژگی‌های ساختاری محلات بر اساس الگوهای شهر دوستدار کودک بود که با یادآوری اصول و الگوهای شهر دوستدار کودک و با پیداکردن این اصول در شهر همدان و همچنین با دریافت نظرها و نیازهای کودکان در قالب پرسشنامه و مصاحبه و نگاهی به وضع موجود و تحلیل آن با عکس و نقشه به یافته‌هایی از قبیل شناخت محله خود از روی اسم خیابان‌ها که ذلیل آن می‌تواند عدم هویت محله برای کودکان باشد. لزوم جانمایی کاربری‌های پارک و دستگاه دفعات در فواصل 5 دقیقه از خانه‌ها، عدم استفاده کودکان از فضاهای محله به علت عدم امنیت کالبدی و عدم حضور پذیری محله برای کودکان، عدم خوانایی محله برای کودکان که از نقاشی‌های آن‌ها پیدا است دست‌یافتنیم.

بنابراین با توجه به این یافته‌ها در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق که ساختار فضایی محلات باید دارای چه ویژگی‌هایی گرددند تا منطبق بر الگوهای شهر دوستدار کودک شوند، می‌توان گفت: ساختار فضایی محلات دوستدار کودک می‌بایستی دارای ویژگی‌هایی چون حضور پذیری، نفوذپذیری و هویت برای کودکان باشد. این ویژگی‌ها بستر مناسب و امنی را برای شکل‌گیری رفتارهای کودکان در محله و رشد اجتماعی آن‌ها ایجاد می‌کند که خود به تحقق حقوق آن‌ها در جامعه کمک می‌کند.

محله حکیم یکی از مناطق بسیار جدید همدان است که به سبک مدرن طراحی شده و بخش عمده‌ای از آن به معابر سواره اختصاص یافته است و در واقع اتومبیل و سواره نقش بسیار پررنگی در این منطقه دارد. یکی از معایب محله حکیم بنا بر گفته ساکنین نبود سرزندگی و فضای دوستانه مناسب است که می‌توان آن را تا حدی با نادیده گرفتن نیازهای و اصولی کودک مداری در منطقه توجیه کرد زیرا نیازهای کودک به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه اصلی و اساسی‌ترین نیازهای مشترک دیگر اشاره جامعه نیز می‌تواند باشد و عدم توجه به آن‌ها در طراحی این محله در واقع بی‌توجهی به نیازهای پایه جامعه و درنتیجه بی‌روحی و بی‌کیفیت محیط می‌باشد. از آن طرف محله کبابیان یکی از قدیمی‌ترین محلات همدان است که به تدریج و بنا بر نیازهای مردم و اشاره مختلف در طی سالیان طولانی ساخته شده است؛ اما بافت آن در حال حاضر تا حدودی فرسوده بوده و قادر فضاهای سبز مشابه محله حکیم می‌باشد. در واقع می‌توان گفت با طراحی یک محله کودک مدار می‌توان تا حد زیادی کیفیت زندگی اجتماعی، سرزندگی و تعاملات در یک محیط را تأمین و تضمین کرد.

**ضوابط طراحی شهری کودک مدار**  
- استفاده از هندسه پیچیده و نامنظم



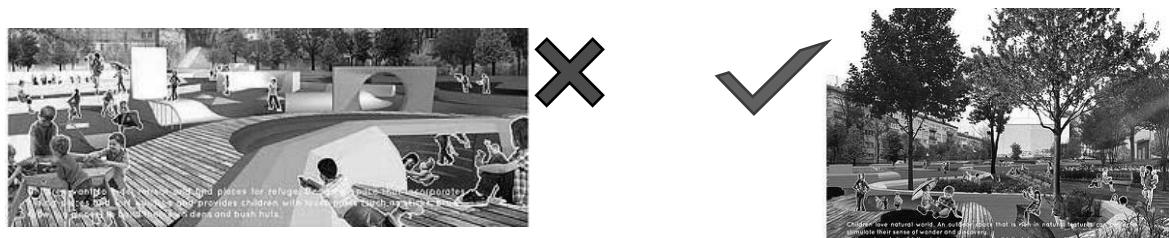
تصویر ۹- استفاده از هندسه پیچیده و نامنظم

- استفاده از مبلمان مناسب کودکان از نظر اندازه - رنگ - طرح



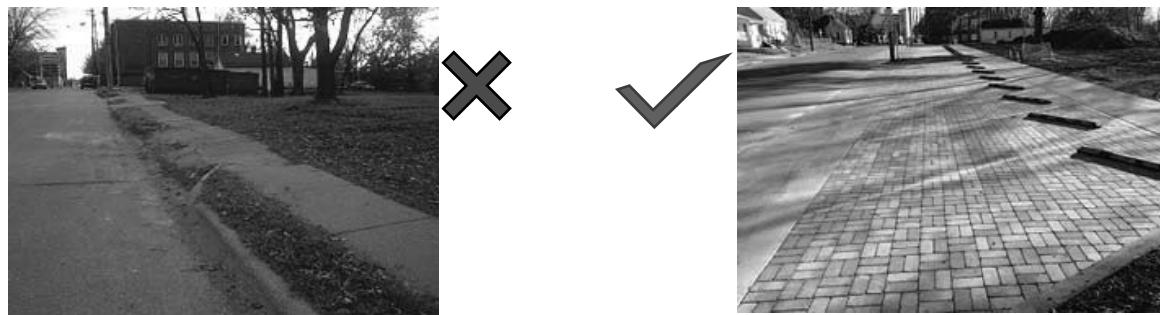
تصویر ۱۰- استفاده از مبلمان مناسب کودکان از نظر اندازه - رنگ - طرح

- ایجاد شرایط مناسب برای استفاده کودکان از پوشش گیاهی



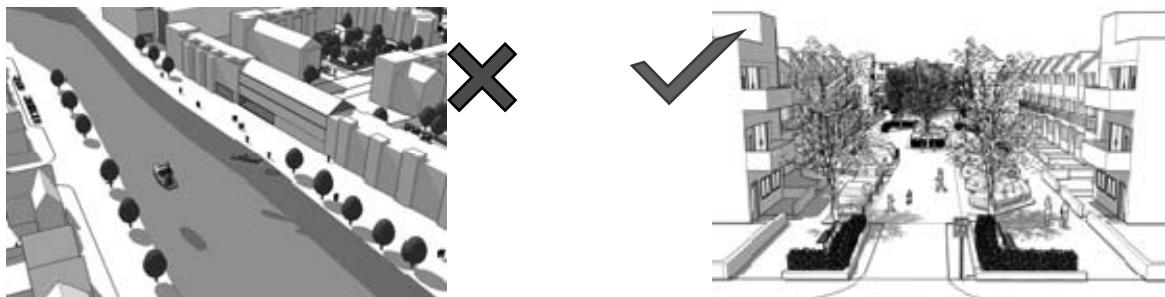
تصویر ۱۱- ایجاد شرایط مناسب برای استفاده کودکان از پوشش گیاهی

- کفسازی مناسب تمامی فصول و رنگارنگ



تصویر ۱۲- کفسازی مناسب تمامی فصول و رنگارنگ

- کنترل سرعت سواره در ورودی محلات و معابر



تصویر ۱۳ - کنترل سرعت سواره در ورودی محلات و معابر

- ایجاد فضاهای بازی و تجمع متمرکز و غیر خطی و قابل نظارت برای کودکان



تصویر ۱۴ - فضاهای بازی و تجمع متمرکز و غیر خطی و قابل نظارت برای کودکان

- حفظ مقیاس انسانی و پرهیز از بلند مرتبه سازی



تصویر ۱۵ - حفظ مقیاس انسانی و پرهیز از بلند مرتبه سازی

## منابع

- Aarts, M. J., et al. (2011). Multi-sector policy action to create activity-friendly environments for children: A multiple-case study. *Journal of Health Policy*, 101, 11-19. Available from: [http://www.healthpolicyjrn.com/articleS0168-851010\)00272-1fulltext](http://www.healthpolicyjrn.com/articleS0168-851010)00272-1fulltext).
- Al-Zoabi, A. Y. (2000). Children and Neighborhood Design. Unpublished Research Project Report, Jordan University of Science and Technology, Irbid, Jordan
- Bartlett, S. (2005). Urban Children and the Physical environment. Paper presented at the Children in the City conference, 1113 December, 41-63.
- Chawla. (2002). Growing up in an urbanizing world. London: Earthscan Publications Ltd.

- Christensen, P., & O'Brien, M. (Eds.). (2003). *Children in the city: Home neighbourhood and community*. Routledge.
- Churchman, A. (2003). Is there a place for children in the city?. *Journal of Urban Design*, 8, 2, 99-111.
- Driskell, D. (2002). *Creating Better Cities with Children and Youth: A Participatory Manual*. London UNESCO Earthscan.
- Francis, M., & Lorenzo, R. (2006). 13 Children and city design: proactive process and the renewal'of childhood. *Children and their environments: Learning, using and designing spaces*, 217.
- Gleeson, B., & Sipe, N. (2006). *Creating child friendly cities*. Taylor & Francis Limited.
- Hampshire Kate, R, et al. (2011). Out of the reach of children? Young people's health seeking practices and agency in Africa's newly-emerging therapeutic landscapes. *Journal of Social Science & Medicine*, 73, 702-710.
- Hill Martha, S., & Sandfor, J. R. (1995). Effects of childhood poverty on productivity later in life: Implications for public policy. *Journal of Children and Youth Services Review*, 17, 91-126.
- Holt Nicholas, L, et al. (2009). Neighborhood physical activity opportunities for inner-city children and youth. *Journal of Health & Place*, 15, 1022-1028.
- Howard, A. (2006). What Constitutes Child Friendly Communities and how are they built, report prepared for the Australian Research Alliance for Children and Youth (ARACY). Sydney: Perth.
- Knowles-Yáñez, K. L. (2005). Children's participation in planning processes. *Journal of Planning Literature*, 20, 1, 3-14.
- Marcus, C. C., & Francis, C. (Eds.). (1997). *People places: Design guidelines for urban open space*. John Wiley & Sons.
- Moeis, R. (1968). *Urban Sociology*. New York: George Allen Unwin.
- Moore, R. C. (1997). The need for nature: A childhood right. *Social Justice*, 203-220.
- Riggio, E. (2002). Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child. *Journal of Environment Urbanization*, 14, 2, 45-58.
- Satterthwaite, D. (2004). City governance for and with children. International institute for environment and development. London: IIED.
- Shiye, E. (2006). Amade Sazie Shahr baraye kudakan Prepare the city for children, Case study: Tehran. Tehran: Nashre Shahr.
- Spencer, C., & Blades, M. (2006). *Children and their environments: Learning, using and designing spaces*. Cambridge University Press.
- Tavassoli, M. Bonyadi, N. (1990). *Tarrahie Fazahay-e Shahri Design of urban spaces*. Tehran: Iranian Center for Architecture and Urban Studies.
- Thomas, C., et al. (2006). Quality of life in children and adolescents with cystic fibrosis managed in both regional outreach and cystic fibrosis center settings in Queensland. *Journal of Pediatrics* 148, 508-516.
- Tranter, P., & Whitelegg, J. (1994). Children's travel behaviors in Canberra: car dependent lifestyles in a low-density city, *Journal of Transport Geography* 2, 265-273.
- Tranter, P., & Pawson, E. (2001). Children's access to local environments: a case-study of Christchurch, New Zealand. *Local environment*, 6, 1, 27-48.
- UNICEF. (2002). Poverty and exclusion among urban children, UNICEF innocent research centre, Florence forthcoming, 24.
- UNICEF. (2011). Retrieved March, 2011, from <http://childfriendlycities.org/building-a-cfc/indicatorscriteriafor-cfc/france>.

- Walsh, P. (2006). Creating child friendly playspaces. *Creating Child Friendly Cities: New Perspectives and Prospects*, 136.
- Woolcock, G., & Steele, W. (2008). Child-friendly community indicators literature review. Queensland: Griffith University.